



Analysis of the Consequences and Social Issues of the Lorestan Deluge in 2019 (Case Study: of Poldokhtar)

Ardeshir Bahrami¹ | Amin Roshanpour²

1. Independent Researcher, Tehran, Iran. E-mail: bahrami-dr2014@yahoo.com.

2. Corresponding Author, PhD Student of Iran Social Problems, Department of Social Sciences, Faculty of Economics and Social Sciences, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran .E-mail: amin_rushanpour@gmail.com.

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received: 09 October 2024 Received in revised form: 10 January 2025 Accepted: 11 February 2025 Published online: 15 March 2025 Keywords: Crisis, Lorestan Deluge, Poldokhtar, Social Consequences, Sociology of Disaster.	The present study aims to examine the consequences and social issues of the 2019 Lorestan deluge (Poldokhtar case study). The research method is qualitative and field studies. The target population is all flood-affected citizens over the age of 18 in Pol-e Dokhtar County and its suburbs in Lorestan Province. Considering theoretical saturation, the study sample was 30 people who were selected purposively. The results indicate that the deluge has significantly exacerbated social ills in Lorestan society, including poverty, unemployment, suicide, domestic violence, and offenses. Although the support and interventions of governmental and non-governmental organizations, institutions, and donors have alleviated some of the issues in the lives of individuals, the absence of integrated management and the neglect of the people's participation and social capacities in crisis management have resulted in tensions and conflicts within groups and despair among the local community. The results indicate that the long-term presence of the donor group and the neglect of the local community's abilities, talents, and capacities in the reconstruction of flooded areas have resulted in social conflicts and tensions among ethnic, tribal, and spatial groups. In the distribution of facilities, we did not witness a coherent and calculated planning to meet the needs of the people of the region. This resulted in the development of deceptive and irrational expectations, a reduction in active participation, and a deterioration of self-esteem and self-confidence in a portion of the region's residents. Some individuals were unable to rebuild the extensive devastation due to a lack of motivation and the onset of mental and psychological illnesses.

Cite this article: Bahrami, A. & Roshanpour, A. (2025). Analysis of the Consequences and Social Issues of the Lorestan Deluge in 2019 (Case Study: of Poldokhtar). *Community Development (Rural-Urban)*, 16 (2):461-478.

<https://doi.org/10.22059/jrd.2025.391766.668910>



© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.391766.668910>

تحلیل پیامدها و مسائل اجتماعی سیلاب لرستان در ۱۳۹۸ (مورد مطالعه: پلدختر)

اردشیر بهرامی^۱ | امین روشن پور^۲

۱. پژوهشگر مستقل، تهران، ایران. رایانامه: bahrami-dr2014@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری مسائل اجتماعی ایران، گروه علوم اجتماعی، دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران.
رایانامه: amin_rushanpoor@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۷/۱۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۲۳ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵ کلیدواژه‌ها: بحران، پلدختر، پیامدهای اجتماعی، جامعه‌شناسی فاجعه، سیلاب لرستان.	پژوهش حاضر، با هدف تحلیل پیامدها و مسائل اجتماعی سیلاب لرستان در سال ۱۳۹۸ در پلدختر انجام گرفت. روش پژوهش کیفی و نوع مطالعه میدانی است. جامعه هدف تمامی شهروندان سیل‌زده بالای ۱۸ سال شهرستان پلدختر و توابع آن در استان لرستان است. با توجه به اشباع نظری نمونه مورد مطالعه ۳۰ نفر شد که به شیوه هدفمند انتخاب شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد آسیب‌های اجتماعی در جامعه لرستان از جمله فقر، بیکاری، خودکشی، خشونت خانگی و جرائم در زمان سیل و بعد از آن در سطح بالایی تشدید شده است. حمایت‌ها و مداخلات سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و خیرین اگرچه بخشی از مشکلات زندگی مردم را کاهش داده، اما نبود مدیریت یکپارچه و کم‌توجهی به مشارکت مردم و ظرفیت‌های اجتماعی در مدیریت بحران، موجب بروز تنش‌ها و مناقشات درون‌گروهی و ناامیدی در جامعه محلی شده است. نتایج حاکی از آن است که حضور طولانی‌مدت گروه خیرین و کم‌توجهی به توانایی‌ها، استعدادها و ظرفیت‌های جامعه محلی در فرایند بازسازی مناطق سیل‌زده سبب بروز تنش‌ها و تعارضات اجتماعی گروه‌های قومی، طایفه‌ای و مکانی شده است. در توزیع امکانات، شاهد برنامه‌ریزی منسجم و محاسبه‌شده برای تأمین نیازهای مردم منطقه نبودیم. این مسئله سبب شکل‌گیری انتظارات کاذب و غیرمنطقی، کاهش مشارکت فعالانه و تضعیف عزت‌نفس و اعتمادبه‌نفس در بخشی از ساکنان منطقه شد. بخشی از مردم انگیزه‌های لازم برای بازسازی مجدد ویرانی‌های گسترده را نداشتند و دچار بیماری‌های روحی-روانی شدند.

استناد: بهرامی، اردشیر و روشن پور، امین (۱۴۰۳). تحلیل پیامدها و مسائل اجتماعی سیلاب لرستان در ۱۳۹۸ (مورد مطالعه: پلدختر). توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۴۶۱-۴۷۸. <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.391766.668910>



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jrd.2025.391766.668910>

۱. مقدمه و بیان مسئله

بلاها و مخاطره‌های محیطی از قدیم به‌عنوان مخرب‌ترین عوامل آسیب‌رسان به انسان، جامعه و محیط‌زیست مورد توجه بوده‌اند (صالحی نوذر و همکاران، ۱۴۰۰). مدیریت بحران ضعیف و عدم آمادگی جامعه با توجه به پیش‌بینی‌ناپذیری و مبهم‌بودن بلاهای طبیعی می‌تواند آثار مخرب اقتصادی، اجتماعی، محیطی و زیرساختی عظیمی را به دنبال داشته باشد (هتو^۱، ۲۰۱۸). براساس مطالعات جهانی، خسارات ناشی از حوادث طبیعی و انسان‌ساخت در ایران، سالانه به‌طور متوسط ۵ میلیارد دلار است که ایران را جزو ده کشور حادثه‌خیز جهان و چهارمین کشور آسیا کرده است (دنیای اقتصاد، ۱۴۰۲). سیلاب‌های ویرانگر ۱۳۹۸ در استان‌های لرستان، خوزستان و گلستان، علاوه بر خسارت‌های مادی، پیامدهای عمیق روانی و اجتماعی برجای گذاشت. این رویدادها این پرسش کلیدی را مطرح می‌کنند که حوادث طبیعی مانند سیل چه تأثیری بر ساختار اجتماعی جوامع می‌گذارند. شواهد میدانی نشان می‌دهد حوادث طبیعی از جمله سیلاب با ایجاد بحران معیشتی و ازدست‌رفتن مشاغل، بستر بروز آسیب‌های اجتماعی بلندمدت را فراهم می‌کنند. این مسئله به‌ویژه در غرب ایران از جمله لرستان که طی سه دهه اخیر شاهد رشد فقر، خشونت‌های خانگی و خودکشی به‌ویژه در میان زنان و جوانان بوده، با وقوع بلایای طبیعی تشدید می‌شود. ارزیابی علمی پیامدهای مذکور براساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، امکان تدوین راهبردهای پیشگیرانه مبتنی بر ریشه‌یابی دقیق را فراهم می‌کند.

در زمان وقوع سیل در مناطق تحت تأثیر، زیرساخت‌های تخصصی امدادگران، مراکز روان‌شناختی و مددکاری برای حمایت و مداخله و بازتوانی اجتماعات محلی به‌صورت محدود وجود داشت، اما با توجه به شدت، گستردگی و ویرانی سیل، سنخیت و تناسبی بین این مراکز و جامعه آسیب‌دیده وجود نداشت و سازمان‌ها و نهادهای متولی ناگزیر از تأمین تیم‌های امدادگران و مداخله‌گر در سطح ملی و استان‌های همجوار بودند. نکته قابل‌توجه آن است که استان‌های همجوار مانند خوزستان، ایلام و کرمانشاه نیز مانند لرستان از سیل آسیب دیدند. به‌نظر می‌رسد وقوع بحران‌های طبیعی مانند سیلاب علاوه بر تلفات جانی مستقیم ممکن است به‌طور غیرمستقیم موجب افزایش آسیب‌های اجتماعی شود. اثبات این ارتباط نیازمند شواهد علمی است که در این پژوهش بررسی می‌شود. براساس تجارب زیسته پژوهشگران در مناطق سیل‌زده لرستان، با اینکه گروه‌های اجتماعی مختلف، نهادهای خدمات‌رسان و تیم‌های امدادی تلاش زیادی برای کمک به مردم سیل‌زده کردند، اما به‌دلیل نبود رویکردهای «مشارکت‌محور» و «اجتماع‌محور»، نارضایتی در جامعه محلی ایجاد شد. تمرکز اصلی مقاله حاضر بر وضعیت آسیب‌های اجتماعی و روانی در زمان وقوع سیل و پس از سیل است؛ بنابراین در این مقاله به سؤالات زیر پاسخ داده می‌شود:

۱. سیلاب ۱۳۹۸ چه تأثیراتی بر ساختار اجتماعی، فرهنگی لرستان بر جای گذاشت؟

۲. تأثیرات بلندمدت سیل بر آمار جرائم، آسیب‌های اجتماعی و مرگ‌ومیرهای غیرطبیعی چگونه ارزیابی می‌شود؟

پژوهش حاضر از این جهت ضرورت می‌یابد که با وجود تواتر بلایای طبیعی در ایران و خسارات گسترده ناشی از آن‌ها، به‌ویژه سیلاب‌های ویرانگر اخیر، تحلیل‌های علمی جامع‌اندکی درباره پیامدهای غیرمستقیم این بحران‌ها بر ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سلامت روان جوامع محلی انجام شده است؛ بنابراین بررسی تأثیر سیلاب ۱۳۹۸ لرستان به‌عنوان یک مطالعه موردی می‌تواند الگوهای مشترک آسیب‌های روانی-اجتماعی ناشی از بحران‌ها را در مناطق مشابه ایران آشکار کند. این مسئله به‌ویژه در مناطق غربی کشور که هم‌زمان با چالش‌های اقتصادی و فرهنگی دست به‌گریبان‌اند، از اهمیت دوچندان برخوردار است. از سوی دیگر،

دستیابی به شواهد تجربی درباره ارتباط سیلاب با آمار جرائم، خودکشی و خشونت‌های خانگی، امکان طراحی مداخلات هدفمند و پیشگیرانه را برای نهادهای مسئول فراهم می‌کند. درنهایت، نتایج این تحقیق می‌تواند مبنایی برای بازنگری در سیاست‌های کلان مدیریت بحران، تلفیق ابعاد اجتماعی-فرهنگی در برنامه‌ریزی‌های اضطراری و تقویت سازوکارهای حمایت روانی-اجتماعی در مناطق آسیب‌دیده باشد. این امر نه تنها از تشدید آسیب‌های ثانویه پس از بحران جلوگیری می‌کند، بلکه به تقویت تاب‌آوری اجتماعی در مواجهه با بلایای آینده می‌انجامد.

۲. پیشینه پژوهش

این پژوهش به تحلیل پیامدها و مسائل اجتماعی سیلاب لرستان در ۱۳۹۸ می‌پردازد. مطالعات در این زمینه می‌تواند راهگشای حل چالش‌ها باشد. برخی از مهم‌ترین این پژوهش‌ها در ادامه آمده است.

مطالعات خارجی: فودی^۱ و همکاران (۲۰۱۷) در مطالعه «تأثیر سیل بر سلامت روان» نشان دادند پریشانی روان‌شناختی را می‌توان با هماهنگی آگاهی از خطرات سیل و رفتار محافظت از سیل و پیشگیری کم کرد. ساجا^۲ و همکاران (۲۰۲۱) در «ارزیابی تاب‌آوری اجتماعی در مدیریت بلایا» دریافته‌اند معیارهای موجود شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی مشکل‌ساز هستند؛ زیرا لزوماً ماهیت چندوجهی و پویای شاخص‌ها را در نظر نمی‌گیرند. به همین سبب مجموعه‌ای از جایگزین‌های بالقوه را برای شاخص‌های تاب‌آوری اجتماعی مطرح کردند (دسترسی به امکانات حمل‌ونقل، اعتماد اجتماعی، درس گرفتن از بلایای گذشته، مشارکت و برابری برای همه افراد، هنجارهای فرهنگی و مذهبی) که با مصاحبه با کارشناسان و سیاست‌گذاران بلایا به‌دست آمده‌اند.

مرز^۳ و همکاران (۲۰۲۱) در بررسی «علل، اثرات و الگوهای سیلاب‌های فاجعه‌بار رودخانه‌ها» به این نتیجه رسیدند که سیل‌های فاجعه‌بار سبب مرگ میلیون‌ها نفر در قرن بیستم، ده‌ها میلیارد دلار خسارت مستقیم اقتصادی در هر سال و اختلال جدی در تجارت جهانی شده است. روندهای گذشته در تأثیرات سیل اقتصادی افزایش گسترده‌ای را نشان می‌دهد که عمدتاً ناشی از رشد اقتصادی و جمعیت است. با این حال، تعداد تلفات و افراد آسیب‌دیده از اواسط دهه ۱۹۹۰ به دلیل اقدامات کاهش خطر، مانند بهبود آگاهی از خطرات و دفاع ساختاری در برابر سیل، کاهش یافته است.

وو^۴ (۲۰۲۴) در پژوهش «سیل و مرگ‌ومیر ناشی از آن در بریتانیا: یک مطالعه مورد شاهدهی تودرتو» نشان دادند قرارگرفتن طولانی‌مدت در معرض سیل با افزایش خطر مرگ‌ومیر همراه است. پیامدهای بهداشتی قرارگرفتن در معرض سیل در دوره‌های مختلف پس از رویداد متفاوت است و پروفایل‌های متفاوتی از جمعیت‌های آسیب‌پذیر برای علل مختلف مرگ شناسایی می‌شوند. این یافته‌ها به درک بهتر اثرات بلندمدت قرارگرفتن در معرض سیل کمک می‌کند. لایخانوف^۵ و همکاران (۲۰۲۵) به بررسی «تحلیل ژئواکولوژیکی علل و پیامدهای سیل در منطقه غربی قزاقستان» پرداختند. مطابق نتایج، سیل در حوضه رودخانه ژم به دلیل بارش شدید زمستان، ذوب سریع برف و افزایش شدید دمای بهار بوده است. سیل به شهر کولسری آسیب زده و به خاک، پوشش گیاهی و حیات وحش منطقه نیز صدمه وارد کرده است. این مطالعه نیاز حیاتی به تحقیقات مستمر درمورد اثرات طولانی‌مدت زیست‌محیطی سیل و توسعه راهبردهای مدیریت تطبیقی برای توسعه پایدار منطقه‌ای را برجسته می‌کند.

1. Foudi

2. Saja

3. Merz

4. Wu

5. Laikhanov

مطالعات داخلی: طالب (۱۳۸۰) در «بررسی مشارکت روستاییان در بازسازی مناطق زلزله‌زده» مشارکت‌های مردمی را حین بازسازی مناطق زلزله‌زده رودبار-منجیل مطالعه کردند. براساس نتایج، در بازسازی‌های انجام‌شده تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، برای روستاییان حادثه‌دیده نقشی جز تماشای امر نوسازی و بازسازی در نظر گرفته نشده بود. نه از آن‌ها نظر می‌خواستند و نه آن‌ها را مشارکت می‌دادند. اشتباهی که اغلب مسئولان و مأموران بازسازی با آن مواجه می‌شوند، توهم اژه‌پاشیدن نظام و ساختار اجتماعی منطقه آسیب‌دیده است. تصور آن‌ها این بوده که مانند تخریب ساختارهای فیزیکی منطقه، ساختار و نظام اجتماعی نیز از بین رفته است. این نحوه برخورد یا غیربومی کردن بازسازی، عوارض زیادی به همراه داشته است.

عنبری (۱۳۸۳) در «بررسی عملکرد اجتماع سازمانی امداد و نجات کشور در مدیریت فاجعه بم» دریافت در حین و بعد از حادثه شامل دوره‌های امداد و نجات، توان بخشی و بازسازی، کماکان دو شیوه برنامه‌ریزی و فعالیت «اضطراری» و «تکمیلی» اعمال شده که از نظر بیشتر خانوارهای حادثه‌دیده و کارشناسان مسائل اجرایی، تقریباً موفق قلمداد شده است.

سلطانی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۴) با «بررسی اعتیاد و سایر آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی در حوادث و بلایای طبیعی» انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که بعد از زلزله بم، به مصرف‌کنندگان جدید مواد افزوده شده و تعداد زیادی از مصرف‌کنندگان قدیمی نیز دوباره اقدام به مصرف مواد کرده‌اند. همچنین میزان سرقت، شرارت، ناامنی، خشونت و قتل در شهرهای زلزله‌خیز افزایش یافته است.

سرزلی فاضل (۱۳۹۸) در «بررسی آسیب‌های روانی-اجتماعی بعد از زلزله تحلیل موردی: زلزله سرپل ذهاب در سال ۱۳۹۶» نشان دادند استرس و ترس شدید (فوبیا)، شب‌هراسی، سقف‌هراسی، خشونت (به‌منزله آسیب روانی) و بی‌اعتمادی، رنج اجتماعی زنان، رایگان‌خواهی و مظلوم‌نمایی، و سرقت (به‌منزله آسیب اجتماعی) که ناشی از موقعیت پس از زلزله است، به‌شدت رشد کرده است.

قزوینه (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «بلایای طبیعی، بحران‌های اجتماعی و خشونت علیه زنان» انجام داد. براساس نتایج، خشونت علیه زنان -چه درون خانواده و چه در مکان‌های عمومی- در زمان جنگ‌ها و بلایای طبیعی بیشتر شده و پیامدهای مختلف جسمی، روحی، ارزشی-اخلاقی، عرفی و قانونی برای زنان داشته است.

ترکرانی و مرادی‌نژاد (۱۳۹۹) در «بررسی تغییرات سرمایه اجتماعی در بلایای طبیعی، مطالعه تأثیر سیلاب لرستان در فروردین ۱۳۹۸» به روش کیفی، دریافتند ابعاد سرمایه اجتماعی در مراحل سه‌گانه بحران دگرگون شده است. در بعد آگاهی، جامعه از ادراک تقدیرگرانه بلایای طبیعی، به درک انسان‌ساخت و دولت‌ساخت بودن بلایای طبیعی دست یافته است. در بعد اعتماد، جامعه از کم‌اعتمادی بین دولت و ملت، به بی‌اعتنایی و بدبینی تغییر رویه داده است. در بعد مشارکت نیز از مشارکت سنتی و بی‌سازمان، به انفعال مردم محلی و وابستگی بیشتر مردم به دولت روی آورده است.

حسن‌پور و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان «روایت تجربه سیل‌زدگی در بین کنشگران اجتماعی شهرستان پلدختر» به روش کیفی انجام دادند. نتایج نشان داد فهم سیل‌زدگان در چارچوب نقصان‌ها و ناکارآمدی تکنوکراتیک قرار می‌گیرد و همچنین ذیل پارادایم دینی به‌مثابه عقوبت الهی و کفاره گناهان تعبیر می‌شود. سیل نظم مفروض و مستقر جوامع را بر هم می‌زند، کرامت سیل‌زدگان را مخدوش می‌کند و رخدادهایی نظیر آوارگی، تحقیر و تبعیض برای آن‌ها ایجاد می‌کند.

نجفی کانی و همکاران (۱۴۰۰) در «تحلیلی بر چالش‌های روستاهای سیل‌زده استان گلستان (مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان آق‌قلا» نشان دادند رابطه هریک از عوامل بررسی‌شده با میزان خسارت سیل در روستاهای مورد مطالعه معنادار است. همچنین به‌لحاظ مؤلفه‌های طبیعی در میزان خسارت، تفاوتی بین روستاها وجود ندارد و فقط برای مؤلفه تجاوز به حریم رودخانه و ساخت‌وساز در حریم آن بین روستاها تفاوت معنادار مشاهده می‌شود.

علاءالدینی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش «بازسازی و توسعه محلی پس از سوانح: برخی چالش‌ها در مناطق زلزله‌زده استان کرمانشاه» به این نتیجه رسیدند که ساختار ناکارآمد ارتباط میان مسئولان و ساکنان و آگاهی ناقص بهره‌بران از فرایند بازسازی و دریافت تسهیلات، مشارکت ناکافی ساکنان، نبود سازوکار مشخص برای مدیریت و توزیع کمک‌های مردمی و شکل‌گیری فرهنگ توقع و انتظار در کنار کم‌توجهی به بازسازی روانی و توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی از مهم‌ترین چالش‌ها برای بازسازی است.

در پژوهش پرهوده (۱۴۰۱) با عنوان «آسیب‌شناسی پس‌اززلزله و توسعه بافت شهری با نگاهی انتقادی مورد مطالعه شهرستان‌های زلزله‌زده استان کرمانشاه» مشخص شد به‌لحاظ آسیب‌های اجتماعی، اقتصادی، روحی و روانی، اغلب خانوارها به‌دلیل مشکلات اقتصادی، بیکاری‌های دوران زلزله و کرونا، بازپرداخت وام‌های ساخت‌وساز، اجاره‌نشینی و بار تکفل در مضیقه هستند. به‌لحاظ روانی نیز هنوز پیامدهای روحی و روانی در مناطقی که بیشتر تحت تأثیر بوده‌اند ماندگار است.

احمدی و همکاران (۱۴۰۲) در «ارزیابی آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی در برابر وقوع سیل» دریافتند شاخص مدت سیل در بعد مواجهه، شاخص‌های مالی و معیشتی در بعد حساسیت و شاخص‌های سرمایه اجتماعی و توسعه انسانی در بعد سازگاری بر میزان آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی تأثیر داشته‌اند.

در مطالعه منصوری‌مقدم (۱۴۰۳) با عنوان «تفاوت در آسیب‌پذیری و بازتولید نابرابری در بحران‌های طبیعی (مردم‌نگاری زندگی ساکنان چم‌شیر در مواجهه با سیل ۹۸)» مشخص شد ناتوانی نهادهای دولتی در مدیریت بحران و ارائه خدمات حمایتی مناسب موجب بحران اعتماد نهادی و تشدید ناهمگونی تأثیرپذیری میان گروه‌های اجتماعی شده است. در این میان، گروه‌های فقیرتر و آسیب‌پذیرتر بیشتر تحت تأثیر پیامدهای مخرب قرار گرفته‌اند و این مسئله به بازتولید نابرابری اجتماعی انجامیده است.

پس از بررسی مطالعات پیشین مشخص شد درباره موضوع پیامدهای اجتماعی سیلاب لرستان، پژوهش جامعی انجام نشده است. در این زمینه برخی مطالعات، از جمله پژوهش ترکرانی و مرادی‌نژاد (۱۳۹۹) به بررسی تغییرات سرمایه اجتماعی در سیل لرستان پرداخته‌اند. پژوهش حسن‌پور (۱۳۹۹) نیز روایت تجربه سیل‌زدگی در بین کنشگران اجتماعی شهرستان پلدختر را واکاوی کرد؛ بنابراین موضوع پیامدهای اجتماعی سیلاب لرستان، حوزه تازه‌ای محسوب می‌شود.

بررسی مطالعات انجام‌شده در ایران نیز حاکی از آن است که بخش عمده‌ای از پژوهش‌های حوزه سوانح طبیعی، معطوف به علوم طبیعی و فنی است که عمدتاً بر ابعاد سخت‌افزاری و فیزیکی مخاطرات متمرکز شده‌اند؛ درحالی‌که در مطالعات علوم انسانی و اجتماعی، رویکرد غالب به فاجعه‌ها مبتنی بر چارچوب‌های برنامه‌ریزی و مدیریت بحران است که این پدیده‌ها را عموماً در ذیل مفاهیم مدیریت بحران تحلیل می‌کنند. پژوهش حاضر با عبور از این چارچوب‌های رایج، پیامدها و مسائل اجتماعی ناشی از سیلاب لرستان در سال ۱۳۹۸ را با تأکید بر ابعاد انسانی و جامعه‌شناختی این بحران واکاوی می‌کند.

۳. چارچوب مفهومی و نظری

سابقه رویکردهای متعدد به فاجعه یا سانحه، به عمر این مفهوم یا واقعیت اجتماعی در زندگی انسان برمی‌گردد. انسان از ابتدای تاریخ حیات خود، همواره حوادث و فاجعه‌های طبیعی و غیرطبیعی را تخریب‌کننده اوضاع و احوال فردی و جمعی دیده و از این رو شیوه‌های مختلفی اعم از بومی یا تخصصی، برای شناخت و مقابله با آن‌ها ابداع کرده است. در مراحل نخست برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، شهری و مدیریت سوانح، اغلب بر ابعاد کمی و فیزیکی مسائل و سوانح و خسارات اقتصادی و زیربنایی آن تأکید می‌شد. از این رو ماهیت و وجه طبیعی و فیزیکی فاجعه‌ها بیشتر مورد توجه بود که آن نیز با رویکرد علوم طبیعی مطالعه می‌شد. بعد از مدتی رویکردهای علوم انسانی و اجتماعی نیز با تأکید بر ابعاد اجتماعی و فرهنگی و سازمانی سوانح شکل گرفت (عنبری، ۱۳۹۳: ۱۰۷-۱۰۸). بلاهای طبیعی،

به حادثه یا رویدادی اشاره دارد که نظم زندگی‌بخش قابل توجهی از جمعیت یک منطقه یا یک شهر را در مدتی خاص از هم می‌پاشد (عنبری، ۱۳۸۱: ۸۸). بحران‌های طبیعی با تشدید نابرابری‌های اقتصادی، فشار بر جوامع فقیر و تخریب زیرساخت‌ها، آسیب‌های اجتماعی مانند فقر، بیکاری و مهاجرت اجباری را افزایش می‌دهد. دخالت انسان در محیط (تغییر کاربری اراضی، شهرسازی در مناطق پرخطر) و ضعف برنامه‌ریزی، این اثرات را تشدید می‌کند.

به‌طور کلی، سه نگرش و دیدگاه کلان به سوانح را می‌توان برشمرد (عنبری، ۱۳۹۳: ۱۲۶-۱۰۹). نخست دیدگاه علوم کهن (دینی-عرفی) که آن را می‌توان رویکرد متعارف دانست. سابقه‌دارترین و نافذترین نگرش به حوادث در عالم، باورها و عقاید متعارفی است که ریشه در سنت‌ها و به‌ویژه علوم دینی و عرفی دارد. منظور از رویکرد عرفی نیز همان باورهایی است که مبنای تبیین و تفسیر بسیاری از حوادث در عالم است. در این رویکرد که در میان عامه مردم نیز رایج بوده، حوادث اساساً به موجودی فراتر از انسان و خارج از حیطه فعالیت او نسبت داده می‌شود. این موجود ناشناخته با نام‌های مختلف مطرح شده است. گاهی از آن به نام خدا یا تقدیر و گاهی به اسم ایزد، ارواح یا همزاد یاد می‌شود. این جهت‌گیری به حوادث نوعی تفکر مبتنی بر غیر است. منظور این است که اساساً درمورد علت حوادث، بر عاملی به نام «دیگری» یا «غیر» اندیشه می‌شود که دور از دسترس و درک انسان است.

دومین دیدگاه، دیدگاه‌های علوم طبیعی هستند که می‌توان آن‌ها را رویکردهای متمرکز نام نهاد. از آنجا که مهم‌ترین جلوه و نماد حوادث و بلایای جمعی، عینی‌بودن، فیزیکی‌بودن و قابل مشاهده‌بودن پیامدها و آثار آن‌ها بر زمین است. دیدگاهی که بی‌درنگ برای آن‌ها علت خارجی جستجو می‌کند، علوم طبیعی است؛ زیرا موضوع مورد مطالعه آن‌ها اشیای عینی، فیزیکی و قابل مشاهده است. مقصود از رویکردهای متمرکز، حوزه‌ها و رشته‌های علوم طبیعی شامل طب، مهندسی، زمین‌شناسی و... است که اساساً با تکیه بر تخصص و موازین عام، فاجعه‌ها را بیشتر از بالا (از منظر کارگزار و کارشناس) مطالعه می‌کنند تا از پایین. منظور از تمرکز این است که در این علوم، اتکای اصلی بر معیارهای عام، همه‌گیر و تخصصی و کم‌توجهی به ویژگی‌های فرهنگی، عرفی و اجتماعی حوادث است. از این‌رو در نحوه نگرش و مدیریت حادثه نیز این تلقی را با خود حفظ می‌کنند.

سومین رویکرد، رویکرد غیرمتمرکز است. در کنار علوم طبیعی، علوم اجتماعی و فرهنگی نیز به حوادث توجه دارند. این علوم به‌طور تخصصی از نیمه دوم سده بیستم به موضوع حوادث رو کرده‌اند. علوم اجتماعی و فرهنگی کمتر به دنبال تحلیل حوادث طبیعی‌اند، بلکه بیشتر به بررسی پیامدهای اجتماعی آن‌ها می‌پردازند. رشته‌های روان‌شناسی، روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، مردم‌شناسی و توسعه در جرگه دیدگاه‌های غیرمتمرکز قرار دارند. به‌طور کلی مهم‌ترین ویژگی‌های روش‌شناختی این علوم به قرار زیرند: پویایی در نگرش، انسان‌گرایی و عدم تمرکز، کارکردشناسی و پیامدنگری، و فرایندشناسی.

مدیریت بحران، مجموع فعالیت‌هایی است که برای بازگشت به وضعیت عادی و به‌حداقل‌رساندن آثار بحران‌ها به روشی ایمن و مؤثر صورت می‌گیرد (تراوره^۱، ۲۰۱۸). در دیدگاه سنتی، سازمان‌های امداد معمولاً منفعل عمل می‌کنند و منتظر وقوع بلا می‌مانند. آن‌ها به تمهیدات اولیه امدادی بسنده می‌کنند، ذخیره‌سازی مایحتاج ضروری آسیب‌دیدگان را مدنظر قرار می‌دهند و به جمع‌آوری اعانه و کمک‌های داوطلبانه مردم اکتفا می‌کنند. این سازمان‌ها به‌ندرت به برنامه‌ریزی بلندمدت یا اقدامات پیشگیرانه می‌اندیشند و صرفاً به مسائل پیش‌رو توجه نشان می‌دهند (ابراهیم بابایی، ۱۳۹۲: ۳۵). اما در نگرش‌های مردمی، قضیه فرق می‌کند. «این رویکرد نوین، حامی همکاری میان‌رشته‌ای در جامعه است و با آماده‌سازی افراد، زمینه را برای ارتقای امنیت، تقویت اعتماد،

افزایش خوداتکایی و توسعه مبتنی بر خواست مردم فراهم می‌کند» (زنایدا^۱، ۲۰۰۳: ۲). از منظر رویکرد مشارکت‌گرا، توسعه فرایندی است که افراد از طریق آن توانایی خود را برای تولید کالاهای مورد نیاز و اداره زندگی سیاسی و اجتماعی به شیوه مطلوب افزایش می‌دهند و هم‌زمان، آسیب‌پذیری بلندمدت خود را در برابر حوادث تهدیدکننده (به‌ویژه در مناطق پرخطر) کاهش می‌دهند. رویکرد مدیریت مردم‌محور دارای ویژگی‌های زیر است: ۱. فاجعه‌ها را آسیب‌پذیری جوامع انسانی می‌داند و بر نقش انسان‌ها در مواجهه با بحران تأکید می‌کند؛ ۲. توانمندی‌های جامعه را شناسایی می‌کند و تلاش می‌کند این ظرفیت‌ها را تقویت سازد؛ ۳. به دنبال ریشه‌یابی دلایل آسیب‌پذیری می‌گردد و ساختارهایی را که نابرابری و توسعه‌نیافتگی ایجاد می‌کنند اصلاح یا حذف می‌کند؛ ۴. مشارکت فعال مردم را شرط اساسی مدیریت بحران می‌داند و آن را پایه اصلی هرگونه اقدام می‌شناسد. درنهایت، این رویکرد با تمرکز بر توانمندسازی جوامع و رفع نابرابری‌های ساختاری، به دنبال ایجاد تاب‌آوری پایدار در برابر فجایع است (آندرسون^۲، ۱۹۸۹). رویکردهای مذکور را می‌توان به‌طور خلاصه به‌صورت زیر ارزیابی کرد:

جدول ۱. بررسی مقایسه‌ای بین رویکردهای سنتی و مردم‌محور در بحران‌های طبیعی

معیار	رویکرد سنتی	رویکرد مردم‌محور
تصمیم‌گیری	متمرکز (دولتی)	غیرمتمرکز (اجتماع‌محور)
مشارکت	منفعلا نه (دریافت کمک)	فعال (مشارکت‌جویانه)
هدف	پاسخ سریع به بحران	پیشگیری از بحران‌های آینده

۴. روش پژوهش

برای پاسخگویی به پرسش‌ها و دستیابی به اهداف پژوهش، روش کیفی مبتنی بر مطالعات میدانی به‌کار گرفته شده است. هدف اصلی بهره‌گیری از رویکرد کیفی، کسب اطلاعات موجود در بافتارهای خاص و ایجاد درکی ژرف‌تر از پدیده‌هایی است که امکان بررسی آن‌ها از طریق روش‌های کمی وجود ندارد (فلیک، ۲۰۰۳: ۱۵). میدان مطالعه، تمامی شهروندان سیل‌زده بالای ۱۸ سال شهرستان پلدختر و توابع آن از جمله معمولان و روستاهای سراب حمام، چم‌مهر، زیودار، جلگه خلج، دمرود افرینه، زورانتل، وره زرد و افرینه استان لرستان است. نمونه‌ها به شیوه هدفمند انتخاب شدند. در این انتخاب، دو ملاک اشباع نظری و تنوع مبنای کار قرار گرفت. با توجه به سطح اشباع نظری، ۳۰ فرد درگیر با مسئله پژوهش انتخاب شدند که شامل بیست نفر از کارشناسان تیم محب (مداخله در حوادث و بلایا) و ده نفر از فعالان محلی بود که تجربه حضور فعال و مستمر در مناطق سیل‌زده داشتند. به‌منظور گردآوری اطلاعات، از مشاهده مشارکتی و مصاحبه‌های عمیق بهره گرفته شد. همچنین تلاش شد با بررسی گزارش‌های رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور درخصوص ارزیابی میزان خسارت و ویرانی ناشی از سیل (۱۳۹۸)، مجموعه گزارش‌های رسمی پزشکی قانونی کشور طی سال‌های ۱۳۹۷، ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰، تصویر روشنی از وضعیت قبل از سیل، زمان سیل و بعد از آن از آسیب‌های اجتماعی، جرائم در مناطق تحت تأثیر و روندها ارائه شود. قابلیت اعتماد پژوهش حاضر بر پایه سه معیار زاویه‌بندی، کنترل اعضا یا اعتبار پاسخگو و بازاندیشی بررسی شد.

جدول ۲. ویژگی جمعیت شناختی مشارکت کنندگان

جنسیت	زن	۱۲
	مرد	۱۸
تحصیلات	کارشناسی	۲۰
	کارشناسی ارشد	۸
	دکتری	۲
سابقه فعالیت	۵ تا ۱۰ سال	۹
	۱۰ تا ۱۵ سال	۱۴
	بیش از ۱۵ سال	۷

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. پیامدهای اجتماعی سیل در جامعه لرستان

وقوع بحران‌های اقلیمی و طبیعی مانند سیل و زلزله در زمان وقوع موجب فروپاشی نظام اجتماعی و پس از آن افزایش مسائل اجتماعی و جراثیم خاصی می‌شود. وقوع سیل در استان لرستان از این قاعده مستثنا نبوده است. تحلیل روندها و آمار آسیب‌های اجتماعی در سال‌های پیش از وقوع بحران، در حین بحران و پس از آن می‌تواند روشنگر بحث باشد. توصیف و تحلیل آمارهای پزشکی قانونی کشور (جدول ۳)، حاکی از افزایش جراثیم و آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه خشونت (قتل، خودکشی، همسرآزاری و کودک‌آزاری) در سطح خانواده و اجتماع محلی در سال وقوع سیل و یک سال پس از آن است.

۵-۱-۱. افزایش آسیب‌های اجتماعی

افزایش آمار خودکشی در زمان سیل و بعد از آن: آمارهای سازمان پزشکی قانونی کشور طی سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۰ که دوره زمانی قبل از سیل، در زمان سیل و بعد از آن را شامل می‌شود، نشان می‌دهد خودکشی‌های منجر به فوت از ۱۶۵ مورد در سال ۱۳۹۷ (۹/۳ در صد هزار نفر) و رتبه چهارم در کشور، در سال ۱۳۹۸ (زمان وقوع سیل) با جهش بالایی به تعداد ۲۰۵ مورد (۱۱/۴ مورد در صد هزار نفر) یعنی رتبه سوم کشور رسیده است. همچنین در سال ۱۳۹۹ با تعداد ۹۸ مورد (۹/۸ مورد در صد هزار نفر) رتبه پنجم و در سال ۱۴۰۰ با تعداد ۲۱۹ مورد (۱۲/۲ مورد در صد هزار نفر)، لرستان بار دیگر رتبه پنجم کشور را داشته است. این روندها نشانگر افزایش سینوسی مرگ‌ومیر ناشی از خودکشی در سال‌های دوران سیل و بعد از آن است. ویرانی‌های گسترده و عمیق سیل و ناتوانی مردم سیل‌زده از پذیرش وضع موجود و کم‌توجهی نهادهای دولتی و امدادگران از بازسازی روانی-اجتماعی مردم در مدیریت پیامدهای اجتماعی روانی بعد از سیل نقش مهمی داشته است.

یک مرد فعال محلی می‌گوید: «خانواده‌ها پس از سیل، نه تنها امکانات مادی، بلکه حمایت‌های روانی لازم را هم از دست دادند. فشارهای معیشتی و ناامیدی از بهبود شرایط، برخی را به سمت خودکشی سوق داد؛ مردم محلی ناامید هستند و برای خود آینده خوبی را تصور نمی‌کنند.» براساس غربالگری سازمان بهزیستی استان لرستان، در بین ۶۸۰۰ نفر، ۱۶۰۰ نفر (۲۵ درصد) دچار افسردگی، انزوای اجتماعی، ازخودبیگانگی و اختلالات روانی بوده‌اند. در مناطق تحت تأثیر سیل، ۴۸ مورد خودکشی کامل رخ داده است. این وضعیت بحرانی تلقی می‌شود (بهزیستی استان لرستان، ۱۳۹۸).

یکی از کارشناسان زن تیم محب می‌گوید: «بسیاری از بازماندگان سیل، بعد از فاجعه، با عذاب روانی ازدست‌دادن خانه، زمین و عزیزانشان دست‌وپنجه نرم می‌کنند. نبود مشاوره تخصصی و برنامه‌های حمایتی بلندمدت، آن‌ها را در چرخه ناامیدی و افسردگی رها کرده است. ما شاهدیم که برخی زنان، به‌ویژه سرپرستان خانوار، زیر بار فشارهای چندجانبه اقتصادی و عاطفی، به خودکشی به‌عنوان تنها راه رهایی فکر می‌کنند.»

افزایش کودک‌آزاری در زمان سیل و بعد از آن: کودکان و زنان به‌دلیل آسیب‌پذیری و شرایط روانی و جسمی و نیازهای خاص خود، از قربانیان اصلی سوانح به‌شمار می‌آیند. با وقوع سیل، فضاهای مفهومی، فیزیکی، ارتباطی، بازی، شادی و نشاط اجتماعی کودکان ویران می‌شود. یک مرد فعال محلی می‌گوید: «آن‌ها که خانه و زندگی‌شان را در سیل از دست داده‌اند، گاهی تنها راه تخلیه خشم را در فریادهای بی‌پاسخ بر سر کودکان می‌بینند؛ کودکانی که خود قربانیان خاموش این فاجعه‌اند و نیازمند حمایت‌های روانی.» کودکان و نوجوانان ترس‌ها و کابوس‌های شبانه ناشی از مشاهده صحنه ویرانگری سیل را دارند. همچنین محرومیت‌های عاطفی ناشی از مواجهه والدین با غم و اندوه و نبود دارایی‌های زندگی، محرومیت مضاعفی بر پیکره نحیف کودکان ایجاد می‌کند. در این شرایط بعد از سیل، فشارهای روانی والدین و فقدان‌های زندگی برای تأمین معاش و تأمین نیازهای خانواده و ساختن مجدد زندگی روی ویرانه‌های سیل، خشمی بزرگ را ایجاد می‌کند. در این مرحله، پدری که تمام هستی و دارایی خود را از دست داده و با آینده‌ای ناایمن و پر از دلهره و تردید مواجه است، بخشی از غم و اندوه و خشم فروخورده خود را بر سر کودکان وارد می‌سازد. یکی از کارشناسان زن تیم محب می‌گوید: «کودکان مناطق سیل‌زده نه‌تنها با کابوس تکرار سیل دست‌وپنجه نرم می‌کنند، بلکه شاهد فروپاشی روانی والدین هستند. پدری که هستی‌اش را از دست داده، خشم ناشی از ناتوانی در تأمین معاش را به شکل خشونت کلامی و فیزیکی به فرزندانش منتقل می‌کند. این چرخه معیوب، محرومیت عاطفی کودکان را عمیق‌تر می‌سازد و آینده روانی آن‌ها را با مخاطره مواجه می‌کند.»

براساس داده‌های سازمان پزشکی قانونی کشور، استان لرستان در سال ۱۳۹۷ (قبل از وقوع سیل) در بین کل استان‌های کشور (رتبه ۳۱) کمترین میزان کودک‌آزاری را داشته است. واگرایی وقوع سیل (۱۳۹۸) با روند افزایشی میزان کودک‌آزاری در لرستان با ۳۱ مورد (۱/۷ درصد هزار نفر) رتبه ۲۳ و در سال ۱۳۹۹ (یک سال پس از وقوع) با تعداد ۴۰ مورد (۲/۴ درصد هزار نفر) رتبه ۱۷ را در بین استان‌های کشور داشته است. بار دیگر در سال ۱۴۰۰ روند کاهشی داشته و با ثبت ۲۰ مورد (۱/۱ درصد هزار نفر) رتبه ۲۶ را در بین استان‌های کشور داشته است.

افزایش همسرآزاری در فضای خانواده در زمان سیل و بعد از آن: در زمان سیل، نیازهای درمانی-بهداشتی زنان در بحرانی مثل سیل که تمام زندگی مردم از بین رفته یا زیر هزاران تن گل‌ولای مدفون شده، عملاً دسترسی زنان به نیازهای بهداشتی، تغذیه، پوشاک مناسب، وسایل منزل و... از بین رفته است. بخش اصلی جمعیت شهرها و روستاهای منطقه سیل‌زده از خانه و کاشانه خود جابه‌جا شده‌اند و در فضاهای دیگری این وضعیت می‌تواند زمینه بروز ناراحتی‌های روحی و احساس ناامنی را فراهم کند. یک زن فعال محلی می‌گوید: «وقتی سیل آمد، نه خانه‌ای ماند و نه شغلی. مردها از بیکاری عصبانی بودند و خشمشان را سر خانواده خالی می‌کردند. حمایت دولتی ناکافی بود و فشار روانی، خشونت خانگی را دامن زد.»

داده‌های آماری سازمان پزشکی قانونی کشور نشان می‌دهد وضعیت همسرآزاری در زمان سیل افزایش یافته است. در سال ۱۳۹۷، با ۱۶۱۵ مورد همسرآزاری (۹/۱ درصد هزار نفر)، لرستان رتبه ۲۰ را در بین استان‌های کشور داشته است. این وضعیت با افزایش در سال ۱۳۹۸ با تعداد ۱۶۹۶ مورد (۹/۵ درصد هزار نفر) و در سال ۱۳۹۹ با تعداد ۱۷۵۷ مورد (۱۰/۳ درصد هزار نفر) رتبه ۱۸

افزایش یافته است. همچنین همسرآزاری در سال ۱۴۰۰ با روند کاهشی ۱۴۶۶ مورد (۸/۲ در صد هزار نفر) و رتبه ۲۱ به وضعیت سال‌های قبل از وقوع سیل بازگشته است. یکی از دلایل افزایش همسرآزاری در زمان سیل و بعد از آن، آشفتگی نقش‌های اجتماعی و خانوادگی والدین و ناتوانی در تأمین زندگی و امورات زندگی روزمره است. یکی از کارشناسان زن تیم محب می‌گوید: «بعد از سیل، زندگی خیلی‌ها زیرورو شد. مردها با فشارهای مالی و بیکاری دست‌وپنجه نرم می‌کردند و این فشارها سبب شد خشونت در خانه‌ها بیشتر شود. زنان قربانی اصلی این بحران بودند؛ چون نه جایی برای پناه‌بردن داشتند و نه حمایتی که بتواند از آن‌ها محافظت کند.»

جدول ۳. وضعیت آسیب‌های اجتماعی استان لرستان طی سه دوره (قبل از سیل، در زمان سیل و بعد از آن)

نوع آسیب	شاخص	۱۳۹۷ (قبل از سیل)	۱۳۹۸ (زمان سیل)	۱۳۹۹ (بعد از سیل)	۱۴۰۰ (بعد از سیل)
خودکشی	تعداد کل	۱۶۵	۲۰۵	۹۸	۲۱۹
	تعداد در صد هزار نفر	۹/۳	۱۱/۴	۹/۸	۱۲/۲
	رتبه لرستان در کشور	۴	۳	۵	۵
کودک‌آزاری	تعداد کل	۹	۳۱	۴۰	۲۰
	تعداد در صد هزار نفر	۰/۵	۱/۷	۲/۴	۱/۱
	رتبه لرستان در کشور	۳۱	۲۳	۱۷	۲۶
همسرآزاری	تعداد کل	۱۶۱۵	۱۶۹۶	۱۷۵۷	۱۴۶۶
	تعداد در صد هزار نفر	۹/۱	۹/۵	۱۰/۳	۸/۲
	رتبه لرستان در کشور	۲۰	۱۹	۱۸	۲۱
دیگرکشی	تعداد کل	۵۸	۱۰۷	۹۸	۱۰۰
	تعداد در صد هزار نفر	۳/۱	۶	۵/۵	۵/۶
	رتبه لرستان در کشور	۶	۲	۳	۳

منبع: سازمان پزشکی قانونی کشور، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹، ۱۴۰۰

افزایش دیگرکشی در زمان سیل و بعد از آن: یکی از جرائم خشونت‌آمیز که زمینه‌های فرهنگی، قومی و تاریخی دارد، دیگرکشی است. این پدیده در دوران سیل و بعد از آن افزایش قابل‌توجهی داشته و لرستان در سال ۱۳۹۸ (به میزان دو برابر سال ۱۳۹۷) و رتبه دوم کشور را در بین استان‌ها به خود اختصاص داده است. در سال ۱۳۹۷ از ۵۸ مورد (۳/۱ در صد هزار نفر) و رتبه ششم، در سال ۱۳۹۸ به ۱۰۷ مورد (۶ مورد در صد هزار نفر) رتبه دوم کشور و در سال ۱۳۹۹ با تعداد ۹۸ مورد (۵/۵ مورد در صد هزار نفر) رتبه سوم کشور و در سال ۱۴۰۰ با تعداد ۱۰۰ مورد قتل (۵/۶ مورد در صد هزار نفر) و رتبه سوم وضعیت بحرانی افزایش قتل‌ها در زمان سیل و بعد از آن را نشان می‌دهد. سیل لرستان با خسارت اقتصادی و محیطی زیرساختی و ارتباطی، زمینه ویرانی بافتار اجتماعی را فراهم کرد. مرزبندی مالکیت‌ها و حدود و ثغور خانه‌ها، زمین‌ها و باغ‌ها به کلی تغییر کرد و تنش‌ها و تعارضات به دلیل تخریب مزارع و باغات ایجاد شد.

یک زن فعال محلی در این زمینه می‌گوید: «بعد از سیل، مردمان روستا بر سر تک‌زمین‌های باقی‌مانده به جان هم افتادند. اختلافاتی که سال‌ها خاموش بود، ناگهان مثل آتش فوران کرد. حالا هر شب صدای تیراندازی و جینگ ما را بیدار نگه می‌دارد. انگار سیل، طلسم خشم کهنه را شکست.» افزایش سرقت و دزدی وسایل منازل، تجهیزات و ابزارآلات کشاورزی و پمپاژهای آب سطح مناقشات و خشونت را بالا برد. بخشی از قتل‌ها ناشی از این مناقشات بود. قتل‌ها فارغ از بررسی ریشه‌ها و زمینه‌ها و فرایندهای وقوع

آن، اثرات روانی ویرانگری بر جامعه دارند و زمینه بروز خشونت و درگیری را به‌ویژه در میان اقوام و طوایف ایجاد می‌کنند. یک مرد فعال محلی می‌گوید: «وقتی زمین‌ها زیر آب رفت، حدومرزها محو شد. اختلافات قدیمی بر سر مالکیت، دوباره زنده شد. بعضی‌ها برای حفظ دارایی‌های باقی‌مانده، به هر وسیله‌ای متوسل شدند. حتی اگر به قیمت جان همسایه باشد.»

افزایش آمار بیکاری در زمان سیل و بعد از آن: بیکاری گسترده و فزاینده و گسترش بخش غیررسمی اقتصاد، یکی از بزرگ‌ترین ضعف‌های توسعه استان لرستان است. در دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۳ لرستان همواره جزو سه استان دارای بدترین وضعیت اشتغال در کشور بوده است. در دوره مذکور، آمار بیکاری در این استان همواره بین ۱۳/۳ و ۲۸/۳ در نوسان بوده است (بهرامی، ۱۳۹۸: ۱۷۹). با توجه به بیکاری فراوان و بنیادهای ضعیف اقتصاد کشاورزی، دام‌پروری و مشاغل وابسته به جاده ترانزیتی در محدوده رودخانه کشکان به‌ویژه در شهرستان‌های پلدختر، معمولان و ویسیان، روستاهای منطقه وقوع سیلاب ساختار اقتصادی تضعیف‌شده در هم فرو ریخت. در زمان سیل و بعد از آن، شاهد افزایش ۸۸ درصد جمعیت بیکار در این استان بودیم. یک مرد فعال محلی می‌گوید: «سیل فقط خانه‌ها را نبرد. کار و زندگی اهالی روستا را هم با خود برد.» براساس ارزیابی سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۹) جمعیت بیکار در استان لرستان از ۷۰،۹۶۷ نفر در سال ۱۳۹۷ به ۱۰۲،۷۰۳ نفر در سال ۱۳۹۹ افزایش یافت. به معنای ساده، ۳۱،۷۳۶ نفر در اثر سیل شغل خود را از دست دادند. لرستان نسبت به سایر استان‌های سیل‌زده (گلستان و خوزستان) در زمینه وضعیت بیکاری، خسارت و آسیب بیشتری را متحمل شد. یک زن فعال محلی می‌گوید: «بعد از سیل، کارگاه‌های کوچک دامداری و قالیبافی ما هم تعطیل شد. جوان‌ها یا بیکارند یا مجبورند به شهرهای بزرگ بروند.»

جدول ۴. وضعیت جمعیت بیکار در دوران قبل از سیل، زمان سیل و بعد از سیل در استان‌های سیل‌زده

استان	جمعیت بیکار			درصد افزایش جمعیت بیکار
	۱۳۹۷ (جمعیت بیکار قبل از سیل)	۱۳۹۸ (جمعیت اضافه‌شده در اثر سیل)	۱۳۹۹ (جمعیت بیکار بعد از سیل)	
لرستان	۷۰،۹۶۷	۳۱،۷۳۶	۱۰۲،۷۰۳	۸۸
گلستان	۳۵،۷۸۹	۱۷،۵۸۱	۵۳،۴۶۰	۵۰
خوزستان	۱۶۱،۰۲۷	۸۷۰۲	۱۶۹،۷۲۹	۵
مجموع	۲۶۷،۸۷۳	۵۸،۰۱۹	۳۲۵،۸۹۲	۲۱

منبع: سازمان برنامه و بودجه کشور، ۱۳۹۹

۲-۱-۵. افزایش میزان مرگ‌ومیرهای غیرطبیعی در زمان سیل و بعد از آن

وقوع سیل در لرستان موجب افزایش مرگ‌ومیر شد. گزارش‌های رسمی سازمان پزشکی قانونی طی سال‌های ۱۳۹۷ (یک سال قبل از وقوع سیل)، میزان مرگ‌های غیرطبیعی از جمله حوادث وسایل نقلیه، غرق‌شدگی، سلاح سرد، مسمومیت دارویی، مسمومیت سم، سقوط از بلندی، مصرف مواد مخدر یا محرک و توهّم‌زا، سوختگی، سلاح گرم، حلق‌آویز، مسمومیت با منواکسیدکربن در جامعه لرستان را نشان می‌دهد. بخش زیادی از این نوع مرگ‌ها نتیجه ناامیدی و بی‌توجهی افراد به نتیجه رفتارهای مخاطره‌آمیز است که در شرایط وقوع بحران تشدید می‌شود.

یکی از کارشناسان مرد تیم محب می‌گوید: «در شرایط بحرانی مثل سیل، بی‌توجهی به پیامد رفتارها افزایش می‌یابد. ناامیدی ناشی از از دست دادن خانه و شغل، افراد را به سمت تصمیمات خطرناک سوق می‌دهد.»

جدول ۵. وضعیت مرگ و میر غیرطبیعی در استان لرستان در دوران قبل و حین و بعد از سیل

نوع آسیب	شاخص	۱۳۹۷ (قبل از سیل)	۱۳۹۸ (زمان سیل)	۱۳۹۹ (بعد از سیل)	۱۴۰۰ (بعد از سیل)
مرگ ناشی از مصرف موادمخدر و محرک و مواد توهم‌زا	تعداد کل	۱۳۶	۱۶۲	۱۹۱	۱۷۵
	تعداد در صد هزار نفر	۷/۶	۹/۱	۱۰/۵	۹/۸
	رتبه لرستان در کشور	۲	۲	۲	۲
مرگ‌های غیرطبیعی	تعداد کل	۱۰۱۷	۱۱۹۶	۱۱۲۹	۱۰۸۵
	تعداد در صد هزار نفر	۵۷	۶۶/۷	۶۴/۲	۶۰/۶
	رتبه لرستان در کشور	۱۳	۳	۵	۸
مرگ و میر ناشی از تصادفات وسایل نقلیه	تعداد کل	۴۷۳	۵۲۳	۴۲۷	۴۲۴
	تعداد در صد هزار نفر	۲۶/۵	۲۹/۳	۲۵/۲	۲۳/۷
	رتبه لرستان در کشور	۹	۷	۹	۱۲

منبع: سازمان پزشکی قانونی کشور، ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰

مرگ ناشی از مصرف موادمخدر و محرک و مواد توهم‌زا در مناطق سیل‌زده: براساس داده‌های پزشکی قانونی کشور در سال ۱۳۹۷ (قبل از وقوع سیل) ۱۳۶ مورد مرگ ناشی از مصرف موادمخدر و محرک و مواد توهم‌زا در استان لرستان ثبت شده است؛ یعنی در جمعیت صد هزار نفر ۷/۶ مورد مرگ ثبت شده و لرستان رتبه دوم کشور را داشته است؛ درحالی‌که میزان مرگ در سال وقوع سیل (۱۳۹۸) به ۱۶۲ مورد یعنی ۹/۱ مورد در صد هزار نفر جمعیت با رتبه دوم کشور و در دو سال پس از سیل (۱۴۰۰)، به ۱۷۵ مورد (۹/۸) مورد در صد هزار نفر) افزایش یافته است. اگرچه این روندها بر اثر بحران‌های مالی و گرانی و تورم و پدیده بیماری کرونا نیز پدیدار شد، در جامعه لرستان پدیده سوء مصرف موادمخدر و محرک و توهم‌زا در بین اقشار مختلف جامعه به‌ویژه جوانان و افراد میانسال در اثر سیل، بحران‌های روحی و اجتماعی گسترده‌ای را در بستر خانواده و اجتماعات محلی ایجاد کرد. یک زن فعال محلی می‌گوید:

«بعد از سیل، نه خانه‌ای ماند، نه زمینی، نه امیدی. جوان‌ها روزبه‌روز بیشتر به سمت مواد کشیده می‌شوند.»

افزایش مرگ‌های غیرطبیعی در منطقه سیل‌زده: براساس داده‌های پزشکی قانونی کشور در سال ۱۳۹۷ (قبل از وقوع سیل) ۱۰۱۷ مورد مرگ غیرطبیعی (۵۷ در صد هزار نفر) ناشی از حوادث وسایل نقلیه، غرق‌شدگی، سلاح سرد، مسمومیت دارویی، مسمومیت با سم، سقوط از بلندی، مصرف موادمخدر یا محرک و توهم‌زا، سوختگی، سلاح گرم، حلق‌آویز شدن و مسمومیت با منواکسیدکربن در جامعه لرستان رخ داده است. استان لرستان در سال ۱۳۹۷ رتبه ۱۳ را در بین استان‌های کشور داشت. در سال ۱۳۹۸ (وقوع سیل) با یک جهش بسیار بزرگ، تعداد مرگ و میرهای غیرطبیعی ۱۱۹۶ مورد (۶۶/۷ در صد هزار نفر) از رتبه سیزدهم به رتبه دوم کشور رسید. در سال ۱۳۹۹ با ۱۱۲۹ مورد و در سال ۱۴۰۰ با ۱۰۸۹ (۶۰/۶ مورد در صد هزار نفر) و کاهش میزان مرگ و میر (رتبه ۸ کشور) را داشت؛ بنابراین می‌توان استنباط کرد تجربه وقوع سیل، اثری جدی بر میزان مرگ و میرهای غیرطبیعی در جامعه لرستان داشته است. در سال ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ مرگ‌های غیرطبیعی روند روبه‌رشدی یافت. یک مرد فعال محلی می‌گوید: «سیل فقط خانه‌ها را نبرد، جان‌ها را هم برد. حالا جوان‌ها یا مردند زیر آوار، یا مردند زیر بار غم بی‌خانگی. بعضی‌ها با قرص، بعضی‌ها با طناب، بعضی‌ها با مواد راه فرار از این زندگی شکسته را پیدا می‌کنند.»

افزایش مرگ و میر ناشی از تصادفات وسایل نقلیه در زمان سیل: در اثر وقوع سیل لرستان، راه ارتباطی ۸۱۶ روستا قطع شد، ۱۶۰۰ کیلومتر راه روستایی و ۴۰۱ کیلومتر راه‌های اصلی آسیب دید و ۴۲ پل بزرگ تخریب شد. این وسعت و گستردگی تخریب موج

ناامیدی و استیصال و درماندگی و حتی خشم را در جامعه محلی ایجاد کرد. سبک رانندگی پرخطر با وجود جاده‌ها و پل‌های ویران‌شده رانندگی را به مسیر مرگ منتهی می‌کند. در اثر ویرانی راه‌ها و پل‌ها، مردم منطقه تا مدت‌ها ارتباطات اجتماعی خود را در بین مناطق از دست دادند و مشکلات زیادی برای برداشت محصولات کشاورزی و دامداری و برآورده کردن نیازهای روزمره داشتند. اما افزایش مرگ‌ومیر ناشی از تصادفات وسایل نقلیه در سال ۱۳۹۷ (قبل از وقوع سیل) با تعداد ۴۷۳ مورد (۲۶/۵ مورد در صد هزار نفر) و رتبه نهم، با روند افزایشی در سال وقوع سیل به ۵۲۳ مورد مرگ (۲۹/۳ مورد در صد هزار نفر) و رتبه هفتم و ۴۲۷ مورد در سال ۱۳۹۹ و ۴۲۴ مورد (۲۳/۷ مورد در صد هزار نفر) در سال ۱۴۰۰ به رتبه دوازدهم کشور رسید. تحلیل ساده این آمارها نشان می‌دهد میزان مرگ‌ومیر ناشی از تصادفات وسایل نقلیه در سال وقوع سیل جهش محسوسی یافت؛ اگرچه بخشی زیادی از جمعیت استان در سال وقوع سیل مهاجرت کردند. مهاجرت این اقشار بر میزان مرگ‌ومیر جامعه تأثیرگذار است. یک زن فعال محلی می‌گوید: «وقتی سیل آمد، نه جاده‌ای ماند نه پلی. حتی آمبولانس هم نمی‌توانست به روستاها برسد. راننده‌ها مجبور بودند از مسیرهای کوهستانی و پرتگاه‌ها رد شوند. هر تصادف، یعنی مرگ، صدای ماثنین بود که می‌پیچید توی دره‌ها. انگار هر روز خبر یک عزای می‌رسید».

۶. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکرد کیفی و میدانی با هدف تحلیل پیامدها و مسائل اجتماعی سیلاب لرستان در ۱۳۹۸ در پلدختر انجام گرفت. یافته‌ها نشان داد در زمان سیل و پس از سیل، جرائم و آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه خشونت‌ها (قتل، خودکشی، همسرآزاری و کودک‌آزاری) در سطح خانواده و اجتماع محلی در سال وقوع سیل و یک سال پس از آن افزایش چشمگیری یافته است. برای این افزایش، دلایل و زمینه‌های زیادی قابل‌ذکر است؛ از جمله گسست اجتماعی، فروپاشی اجتماعی و اختلال در نظم اجتماعی جامعه، و بحران معنا و ناامیدی و دلمردگی، ناتوانی در بازپیوند اجتماعی، میل زیاد به مهاجرت با وجود تعلقات اجتماعی و محلی، کاهش تحمل و مدارای اجتماعی، ناتوانی در حل مشکلات و مسائل روزمره زندگی که موجب افزایش آسیب‌هایی مانند همسرآزاری، کودک‌آزاری، افکار خودکشی، اقدام به خودکشی و خودکشی منجر به فوت و دیگرکشی شد.

نتایج این پژوهش با مطالعات پیشین از جمله تحقیقات پروهده (۱۴۰۱)، الیاسی سرزلی (۱۳۹۸)، قزوینه (۱۳۹۸) و سلطانی‌نژاد (۱۳۹۴) همسو است. همه این مطالعات بر اهمیت آسیب‌های روانی-اجتماعی ناشی از بحران‌های طبیعی تأکید کرده‌اند. این بحران‌ها نه تنها خسارت‌های جسمی و مالی به بار می‌آورند، بلکه اثرات روانی و اجتماعی طولانی‌مدتی نیز دارند که می‌توانند به اختلالات روانی مانند استرس پس از سانحه و افسردگی منجر شوند؛ بنابراین حمایت‌های روانی-اجتماعی و مداخلات به‌موقع برای کاهش این اثرات ضروری است.

وجود ساختار قومی، فرهنگی و اجتماعی خاص جامعه مانند وجود آسیب‌ها و جرائم و خرده‌فرهنگ (کولی‌ها)، فقر و توسعه‌نیافتگی قبل از وقوع سیل، زمینه بروز آسیب‌ها و مسائل اجتماعی شده و در اثر ویرانی‌های گسترده و عمیق و خشم‌ها و نارضایتی‌ها جدید، موجب تکرر و تنوع آسیب‌های جدید (زیاده‌خواهی، رایگان‌خواهی، زوال اخلاق انسانی در گروه خیرین و افراد کمک‌گیرنده) شده است. بخش اصلی تعارضات اجتماعی و مناقشات فرهنگی بعد از سیل مربوط به نحوه تقسیم منابع و کالاها و خدمات، رانت‌جویی برخی سازمان‌های دولتی و غیردولتی و خیرخواهی نهادهای خیریه بود که به‌صورت گسترده تا مدت طولانی حتی یک سال پس از وقوع سیل استمرار داشت و مردم را به‌شدت فقیر و وابسته به این منابع نگاه داشته بود. این وضعیت موجب خودبیمارانگاری، کاهش اعتماد به نفس و عزت‌نفس، وابستگی مفرط به کمک‌های داوطلبانه و افسردگی و تنبلی اجتماعی شد. اغلب این کمک‌ها بی‌حساب و غیرکارشناسی و نیاز واقعی جامعه نبود. حتی در بخشی از شهر و روستاها که از سیلاب هیچ آسیب و خسارتی متحمل نشده بودند، این

کمک‌ها ساری و جاری بود و مردم به فروش کالاها و لوازم منزل (یخچال و تلویزیون و فرش و...) اقدام می‌کردند. این مسئله خود موجب نزاع و درگیری بین مردم منطقه شده بود.

به‌نظر می‌رسد داشتن رویکرد و روش مدیریت بحران مشارکت‌محور و اجتماع‌محور در بحران‌ها می‌تواند از برخی آسیب‌ها و پیامدهای قابل‌پیش‌بینی این بحران پیشگیری کند. برخی خرده‌فرهنگ‌ها و اقوام با اینکه در مناطق کوهستانی زندگی می‌کردند و عملاً از سیل آسیب چندانی ندیده بودند، با برپایی چادرهای در شهرهای پلدختر و معمولان، چشم طمع به کمک‌های مردمی داشتند. این مسئله یکی از مهم‌ترین موانع فرهنگی ارائه خدمات مطلوب سازمان‌های امدادگران تلقی می‌شود.

لرستان بعد از سیل با افزایش مرگ‌های غیرطبیعی (قتل، خودکشی، تصادفات، مرگ ناشی از سوءمصرف مواد مخدر و محرک و توهم‌زا و...) و بروز خشونت‌های خانگی مواجه شد. مشارکت گسترده مردم مناطق همجوار، نهادهای دولتی، غیردولتی، بسیج سازندگی و سپاه پاسداران انقلاب و نیروی انتظامی، ارتش، خیرین و... موجب حمایت و همدلی و همراهی با جامعه سیل‌زده شد. اما نبود رویکردهای مشارکت‌محور و اجتماع‌محور موجب شد از ظرفیت‌های محلی برای کمک به خودشان و بازسازی مناطق بهره‌مند نشوند.

در پایان، برای پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در بحران‌های طبیعی، پیشنهادهای کاربردی زیر ارائه می‌شود:

۱. لزوم استفاده از رویکرد مدیریت بحران مشارکت‌محور و اجتماع‌محور: برای کاهش آسیب‌ها و پیامدهای اجتماعی بحران‌های طبیعی مانند سیلاب، استفاده از رویکرد مدیریت بحران مبتنی بر مشارکت و اجتماع ضروری است. این رویکرد می‌تواند به بهره‌مند شدن از ظرفیت‌های محلی برای بازسازی و امداد رسانی کمک کند و در نهایت به افزایش کارایی و اثربخشی اقدامات امدادی منجر شود؛

۲. لزوم توجه به ساختارهای اجتماعی و فرهنگی: درک و در نظر گرفتن ساختارهای قومی، فرهنگی و اجتماعی خاص هر منطقه می‌تواند در پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی مؤثر باشد. همچنین توجه به خرده‌فرهنگ‌ها و اقوام مختلف در مناطق کوهستانی در زمان بحران‌های طبیعی ضروری است؛ زیرا این امر به تطبیق بهتر برنامه‌های امداد رسانی با نیازهای خاص هر جامعه کمک می‌کند؛

۳. لزوم مدیریت کارآمد منابع و کمک‌ها: تقسیم منابع و کمک‌ها باید براساس نیازهای واقعی جامعه و به‌صورت کارشناسی انجام شود تا از وابستگی مفرط به کمک‌های مردمی جلوگیری شود و مسائل روان‌شناختی ناشی از آن کاهش یابد. این رویکرد همچنین به توزیع عادلانه‌تر منابع کمک می‌کند و مانع بروز اختلالات اجتماعی می‌شود؛

۴. لزوم ترویج مشارکت و همدلی اجتماعی: مشارکت گسترده مردم و نهادهای مختلف در امداد رسانی و بازسازی می‌تواند به افزایش همدلی و حمایت اجتماعی کمک کند. از این‌رو، باید بر تقویت این قبیل مشارکت‌ها تأکید شود تا از طریق ایجاد حس همبستگی اجتماعی، جامعه به‌طور مؤثرتری با بحران‌ها مقابله کند. این رویکرد نه تنها به بازسازی فیزیکی کمک می‌کند، بلکه به ترمیم آسیب‌های روان‌شناختی و اجتماعی نیز می‌انجامد؛

۵. لزوم آموزش و آگاهی‌بخشی به جامعه: آموزش و آگاهی‌بخشی به جامعه در مورد چگونگی واکنش در شرایط بحران و روش‌های ایمنی و امداد رسانی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. این آموزش‌ها می‌توانند به‌صورت کارگاه‌های آموزشی، برنامه‌های تلویزیونی یا از طریق رسانه‌های اجتماعی انجام شود. با افزایش آگاهی مردم می‌توان به کاهش آسیب‌ها و بهبود واکنش‌های فوری در زمان بحران کمک کرد. همچنین آموزش در مورد چگونگی بازسازی پس از بحران و روش‌های مقابله با استرس و آسیب‌های روان‌شناختی می‌تواند مفید باشد.

مأخذ مقاله: تألیف مستقل؛ در این مقاله تعارض منافی وجود ندارد.

منابع

- ابراهیم بابایی، شهین (۱۳۹۲). اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر مدیریت بحران شهری در برابر بلایای شهری. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا*. دانشکده جغرافیا، دانشگاه اصفهان.
- احمدی، سمیه، قنبری موحد، رضوان، غلامرضایی، سعید و رحیمیان، مهدی (۱۴۰۲). ارزیابی آسیب‌پذیری خانوارهای روستایی در برابر وقوع سیل (روستاهای حوزه آبخیز افرینه، استان لرستان). *تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران*، ۲(۵۴)، ۴۳۹-۴۵۷.
- <http://doi.org/10.22059/IJAEDR.2021.314158.668976>
- بهرامی، اردشیر (۱۳۹۸). فرهنگ، توسعه و خودکشی در غرب ایران. تهران: جهاد دانشگاهی.
- پرهوده، فرزاد (۱۴۰۱). آسیب‌شناسی پس‌اززلزله و توسعه بافت شهری با نگاهی انتقادی (مورد مطالعه: شهرستان‌های زلزله‌زده استان کرمانشاه). *پیشرفت و توسعه استان کرمانشاه*، ۲(۱)، ۴۶-۶۱.
- ترکرانی، مجتبی و مرادی‌نژاد، الهام (۱۳۹۹). بررسی تغییرات سرمایه اجتماعی در بلایای طبیعی، مطالعه تأثیر سیلاب لرستان در فروردین ۱۳۹۸. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۳(۲)، ۱۲۳-۱۴۸. <https://doi.org/10.22034/jss.2019.43303>
- حسن‌پور، آرش؛ پیرک، مژگان و باقری حیدری، فاطمه (۱۳۹۹). روایت تجربه سیل‌زدگی در بین کنشگران اجتماعی شهرستان پلدختر. *مطالعات جامعه‌شناختی*، ۲۷(۲)، ۳۶۱-۳۹۳. <https://doi.org/10.22059/jsr.2021.81428>
- دنیای اقتصاد (۱۴۰۲). *ایران در لیست ۱۰ کشور حادثه‌خیز جهان*. شماره خبر: ۴۰۴۳۵۷۲.
- سازمان پزشکی قانونی کشور. مجموعه گزارش‌های وضعیت جرائم و آسیب‌هایی کشور (۱۳۹۷، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰).
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۹۸). سیلاب‌های ۱۳۹۸. گزارش ارزیابی نیازهای بازسازی و بازتوانی پس از بلایای طبیعی در استان‌های لرستان، خوزستان و گلستان (گزارش نهایی).
- سرزلی فاضل، الیاسی (۱۳۹۸). بررسی آسیب‌های روانی-اجتماعی بعد از زلزله؛ تحلیل موردی: زلزله سرپل ذهاب در سال ۱۳۹۶. *مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۳(۲)، ۵-۲۸. <https://doi.org/10.22034/jss.2019.43298>
- سلطانی‌نژاد، امیر؛ انارکی، محمدرضا؛ بلوردی، مریم و اسماعیل‌پور عسگری، ندا (۱۳۹۴). بررسی اعتیاد و سایر آسیب‌ها و انحراف‌های اجتماعی در حوادث و بلایای طبیعی. *سلامت اجتماعی و اعتیاد*، ۲(۷)، ۸۳-۹۶.
- صالحی نوذر، اسماء، یعقوبی، نورمحمد و کیخا، عالمه (۱۴۰۰). طراحی الگوی مدیریت بحران اجتماع‌محور با استفاده از رویکرد فراترکیب. *مطالعات مدیریت دولتی*، ۴(۲)، ۷۱-۱۰۲.
- طالب، مهدی (۱۳۸۰). بررسی مشارکت روستاییان در بازسازی مناطق زلزله‌زده. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۸، ۱۳۳-۱۶۶.
- عنبری، موسی (۱۳۸۱). ارزیابی رویکردهای نظری در مدیریت امداد فاجعه در ایران. *اولین همایش علمی تحقیقی مدیریت امداد و نجات*. https://www.civilica.com/Paper-SRM01-SRM01_00
- عنبری، موسی (۱۳۸۳). ارزیابی رویکردهای نظری در مدیریت امداد فاجعه در ایران. *مجموعه مقالات اولین همایش علمی مدیریت امداد و نجات*. مؤسسه آموزش عالی علمی-کاربردی هلال احمر وابسته به جمعیت هلال احمر ایران.
- عنبری، موسی (۱۳۸۳). بررسی عملکرد اجتماع سازمانی امداد و نجات کشور در مدیریت فاجعه بم. *جلد دوم پیمایش (ارزیابی مردمی)*. مؤسسه آموزش عالی علمی کاربردی هلال احمر ایران، تهران.
- عنبری، موسی (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی فاجعه: کدو کاوی علمی پیرامون حوادث و سوانح در ایران. چاپ دوم. تهران: دانشگاه تهران.
- فلیک، اووه (۱۴۰۳). *درآمدی بر پژوهش کیفی*. ترجمه هادی جلیلی. تهران: نشرنی.

- قزوینه، ژیلا (۱۳۹۸). بلایای طبیعی، بحران‌های اجتماعی و خشونت علیه زنان. *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، ۱(۱۴)، ۲۲۹-۲۵۹.
<https://doi.org/10.22084/csr.2020.15243.1417>
- منصوری‌مقدم، منصور (۱۴۰۳). تفاوت در آسیب‌پذیری و بازتولید نابرابری در بحران‌های طبیعی (مردم‌نگاری زندگی ساکنان چمشیر در مواجهه با سیل ۹۸). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۶(۲)، ۲۸۷-۳۰۴.
[10.22059/jrd.2025.385828.668885](https://doi.org/10.22059/jrd.2025.385828.668885)
- نجفی کانی، علی‌اکبر؛ صحنه، بهمن و کلاته عربی، ربابه (۱۴۰۰). تحلیلی بر چالش‌های روستاهای سیل‌زده استان گلستان (مطالعه موردی: روستاهای بخش مرکزی شهرستان آق‌قلا). *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، ۱۳(۱)، ۳۱۵-۳۴۵.
<https://doi.org/10.22059/jrd.2021.331684.668680>
- Ahmadi, S., Ghanbari Movahed, R., Gholamrezaei, S., & Rahimian, M. (2023). Assessing the vulnerability of rural households to flooding (villages in the Farineh watershed, Lorestan province). *Iranian Agricultural Economics and Development Research*, 2(54), 439. <http://doi.org/10.22059/IJAEDR.2021.314158.668976> (In Persian)
- Anbari, M. (2002). Evaluation of Theoretical Approaches in Disaster Relief Management in Iran. *The First Scientific Research Conference on Relief and Rescue Management*. https://www.civilica.com/Paper-SRM01-SRM01_007 (In Persian)
- Anbari, M. (2004). Evaluation of Theoretical Approaches in Disaster Relief Management in Iran. *Proceedings of the First Scientific Conference on Relief and Rescue Management. Red Crescent Institute of Applied and Scientific Higher Education, affiliated with the Iranian Red Crescent Society*. (In Persian)
- Anbari, M. (2008). *Sociology of Disaster: A Scientific Investigation of Accidents and Disasters in Iran*. Tehran, Tehran University Press, First Edition. (In Persian)
- Anbari, M. (2004). Investigating the performance of the country's rescue and relief organization in managing the Bam disaster, Volume 2 of the survey (popular assessment), Hilal Institute of Applied Scientific Higher Education, Tehran. (In Persian)
- Anderson, M. B., & Woodrow, P. J. (1989). *Rising from the ashes: development strategies in times of disaster*. Routledge.
- Bahrani, A. (2019). *Culture, Development and Suicide in Western Iran*. Tehran: Tehran University Jihad Publications. (In Persian)
- Ebrahim Babaei, Sh. (2013). Prioritizing factors affecting urban crisis management against urban disasters. *Master's thesis in Geography, Faculty of Geography, University of Isfahan*.
- Flick, U. (2024). *An introduction to qualitative research*. Translated by: H. Jalili. Tehran: Ney. (In Persian)
- Forensic Medicine Organization of the Country, *Collection of Reports on the Status of Crimes and Injuries in the Country 2018, 2019, 2020, 2021*. (In Persian)
- Foudi, S., Osés-Eraso, N., & Galarraga, I. (2017). The effect of flooding on mental health: Lessons learned for building resilience. *Water Resources Research*, 53(7), 5831-5844. <https://doi.org/10.1002/2017WR020435>
- Hassanpour, A., Pirak, M., & Bagheri-Heidari, F. (2019). Narrative of the flood experience among social activists in Poldokhtar county. *Sociological Studies*, 27(2), 361-393. <https://doi.org/10.22059/jsr.2021.81428> (In Persian)
- Hetu, S. N., Gupta, S., Vu, V. A., & Tan, G. (2018). A simulation framework for crisis management: Design and use. *Simulation Modelling Practice and Theory*, 85, 15-32.
- Laishanov, S., Sharapkhonova, Z., Myrzakhmetov, A., Levin, E., Taukebayev, O., Nurmagambetuly, Z., & Kaster, S. (2025). Geo-Ecological Analysis of the Causes and Consequences of Flooding in the Western Region of Kazakhstan. *Urban Science*, 9(1), 20. <https://doi.org/10.3390/urbansci9010020>
- Madison, S. (2017). *Critical Ethnography: Methods, Ethics and Implementation*. Translated by: F. Sadat Kamali. Tehran: Elmi Farhangi. (In Persian)
- Mansouri Moghadam, M. (2024). Differences in vulnerability and the reproduction of inequality in natural crises (Ethnography of the lives of Chamshir residents facing the 1998 flood). *Local Development*, 16(2), 287-304. [10.22059/jrd.2025.385828.668885](https://doi.org/10.22059/jrd.2025.385828.668885) (In Persian)

- Merz, B., Blöschl, G., Vorogushyn, S., Dottori, F., Aerts, J. C., Bates, P., ... & Macdonald, E. (2021). Causes, impacts and patterns of disastrous river floods. *Nature Reviews Earth & Environment*, 2(9), 592-609. <https://doi.org/10.1038/s43017-021-00195-3>
- Najafi Kani, A. A., Sahneh, B., & Kalateh Arabi, R. (2021). An analysis of the challenges of flooded villages in Golestan province (case study: villages in the central part of Aq Qala county). *Journal of Local Development*, 13(1), 315-345. <https://doi.org/10.22059/jrd.2021.331684.668680>
- National Management and Planning Organization (2019). *Floods of 2019*. Report on the assessment of reconstruction and rehabilitation needs after natural disasters in Lorestan, Khuzestan and Golestan provinces (Final report). (In Persian)
- Qazvineh, J. (2019). Natural Disasters, Social Crises and Violence Against Women. *Contemporary Sociological Research*, 8(14), 229-259. <https://doi.org/10.22084/csr.2020.15243.1417> (In Persian)
- Saja, A. A., Teo, M., Goonetilleke, A., & Ziyath, A. M. (2021). Assessing social resilience in disaster management. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 52, 101957. <http://dx.doi.org/10.1016/j.ijdr.2020.101957>
- Salehi Nozar, A., Yaghoubi, N., & Kikha, A. (2021). Designing a Community-Based Crisis Management Model Using a Meta-Synthesis Approach. *Public Administration Studies*, 4(2), 71-102. (In Persian)
- Sarzali Fazel, E. (2019). Investigating Psychosocial Trauma after an Earthquake: Case study: Sarpol-e-Zahab earthquake in 2017. *Iranian Social Studies*, 13(2), 5-28. <https://doi.org/10.22034/jss.2019.43298> (In Persian)
- Soltaninejad, A., Anaraki, M. R., Balvardi, M., & Esmaeil Pour-Asgari, N. (2015). Investigating addiction and other social harms and deviations in natural disasters and accidents. *Social Health and Addiction*, 2(7), 83-96. (In Persian)
- Taleb, M. (2001). Study of Villagers' Participation in Reconstruction of Earthquake-Stricken Areas. *Social Sciences Letter*, 18, 133-166.
- Torkarani, M., & Moradinejad, E. (2019). Investigating changes in social capital in natural disasters, studying the impact of the Lorestan flood in April 2019. *Iranian Social Studies*, 13(2), 123- 148. <https://doi.org/10.22034/jss.2019.43303> (In Persian)
- World of Economy (2023). *Iran is on the list of 10 accident-prone countries in the world*. News number: 4043572. (In Persian)
- Wu, Y., Gasevic, D., Wen, B., Yang, Z., Yu, P., Zhou, G., ... & Guo, Y. (2024). Floods and cause-specific mortality in the UK: a nested case-control study. *BMC medicine*, 22(1), 188. <https://doi.org/10.1186/s12916-024-03412-0>